



# غار کرفتو

منوچهر حمزه‌لو

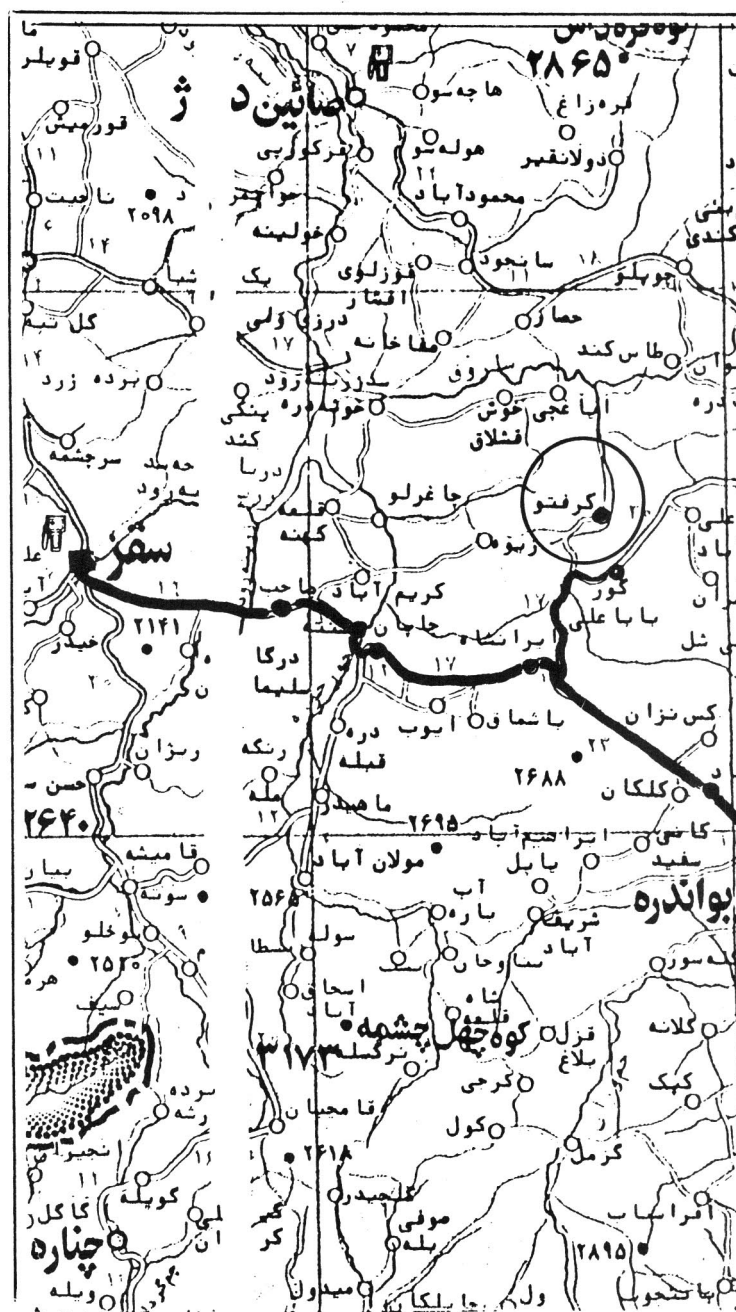
محمود میر اسکندری

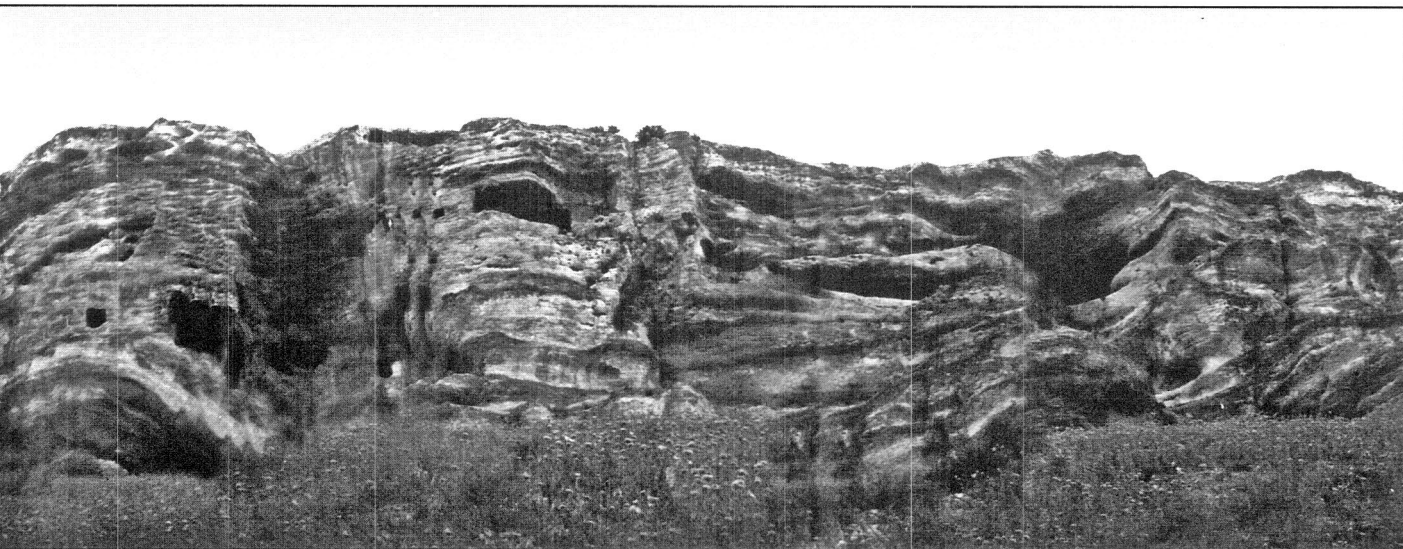
می‌گردد. اشکال گوناگونی از چکه سنگها در غار یافت می‌شود که آنها را در مجموع غار سنگ (speleo-them) می‌نامند که هیچیک از آنها شباهت کاملی با دیگری ندارد. شاید یکی از آشنا ترین غار سنگها استالاکتیتها (stalactites) باشند. این آویزه‌ها در سقف غار، در جایی تشکیل می‌شوند که آب از روزنه‌ها و شکاف‌ها بیرون آمده در داخل غار با هوای موجود تماس برقرار می‌سازند. هنگامیکه آب چک در داخل غار با هوا تماس می‌یابد مقدار کمی از آن بخار می‌شود. بنابراین، مقداری از گاز کربنیک محلول در آب از آن خارج شده و مقدار کمی کربنات کلسیم رسوب می‌کند. به این ترتیب مواد به شکل حلقه‌ای در اطراف آب رسوب می‌یابد. قطرات آب چکیده ردپایی از کلسیت پشت سر خود باقی می‌گذارد و لوله‌ای توخالی از کلسیت تشکیل می‌شود. سپس آب از درون این لوله گذر کرده، از انتهای قندیل به پایین می‌ریزد. استالاکتیتی که بدین روش تشکیل می‌شود نی سودا (straw soda) نامیده می‌شود. بیشتر اوقات لوله خالی نی سودا با افزایش عبور آب بسته می‌شود. در هر حال، آب جریان می‌یابد و سپس در خارج لوله رسوب میکند. با ادامه رسوب گذاری، استالاکتیتها شکل مخروطی به خود می‌گیرند. و اما غار سنگهایی که در کف غارها تشکیل می‌شوند و به طرف بالا رشد می‌کنند استالاکمیت (stalagmite) نامیده می‌شوند.

آبی که رسوب کربنات کلسیم استالاکمیتها را مهیا می‌کند از سقف غار می‌چکد و در سطح زمین پخش می‌شود. در نتیجه استالاکمیتها دارای لوله مرکزی نبوده و معمولاً ظاهری توده مانند دارند و در انتهای فوقانی خود نسبت به استالاکمیتها گردترند.

## شکل‌گیری صخره کرفتو از لحاظ زمین‌شناسی

چنانکه از شکل ظاهری و نحوه قرارگیری سنگها که در نتیجه جریانهای رسوب گذاری صورت پذیرفته است، قسمت‌های پایینی صخره از سنگهای لایه لایه شکل گرفته که نتیجه پیشروی آب در فلات قاره بوده است. بالاتر از این قسمت سنگها بصورت توده‌ای بادانه‌های ریز مشاهده می‌گردند که نتیجه پیشروی آب فلات قاره در این قسمت بوده است که با توجه به شواهد موجود، طبقه اول بر اثر فلات قاره پدید آمده است و بهمین جهت است که سنگها





امروزی تعلق داشته است و پیداست که پرشدن دره‌های آنها در چند مرحله صورت گرفته است و گستردگی دشتهای آبرفتی در ناحیه شمال غرب و ضخامت آبرفتهای آن نیز نمایشگر اهمیت و وجود آبهای جاری آن است.

بیش از ۳۵۰ هزار کیلومتر ارتفاعات زاگرس غربی و جنوب غربی راناهمواریهای کارستی تشکیل می‌دهند. اما این شکل ساختمانی در همه کوههای زاگرس تسری می‌نماید، به عبارت دیگر با پیشروی در نواحی زاگرس جنوبی به ناهمواریهای کارستی تازه‌تری روبرو می‌شویم که قدمت احتمالی آنها به دوران یالئوژن یعنی اولیگوسن برمی‌گردد.

صخره قلعه کرفتو به درازای حدود ۱۵۰۰ متر و پهنای حدود ۷۰۰ متر در میان نقاط تاریخی همچون زیویه - در سمت چپ و تخت سلیمان در سمت شمال - قرار گرفته است.

رودخانه کرفتو به نام "چم که رفتو" در سمت غرب این غار که از کناره روستای "میرسید" می‌گذرد، جریان دارد. در مشرق روستای میرسید دره فرسایش یافته، باز و گودی قرار دارد. که یکی از دره‌های فرعی - چم کرفتو - رودخانه کرفتو است و دو صخره آهکی راز یکدیگر جدا کرده است. صخره جنوبی در اثر فرسایش مکانیکی متلاشی شده و ساختمان لوحه‌ای شکل سنگ آهکی آن به شدت تخریب کمک فراوان کرده است. در اثر این فرسایش ستونهای کوچک و بزرگ نامنظمی در سمت جنوب

لایه لایه و یابصورت دانه های ریزبوده و عمل تخریب در آنها بیشتر است سنگهای لایه لایه بدلیل عدم انسجام در مابین لایه‌ها آب بیشتری را در خود جذب کرده سنگهای با سطوح جانبی کمتر را متأثر کرده سبب تخریب، چه از لحاظ شیمیایی و چه از لحاظ فیزیکی می‌شوند. اما طبقه دوم که دارای ترکیبات کوارتزی بیشتری است از انسجام و بافت فشرده‌تر و منسجم‌تری برخوردار بوده در مقابل عوامل تخریب مقاومت بیشتری از خود نشان داده‌اند.

ترکیبات مختلف سنگ آهک با توجه به میزان کانیهای تشکیل دهنده دارای رنگهای مختلفی می‌باشند. بر اساس رنگهای سنگهای تشکیل دهنده صخره غار کرفتو تا اندازه‌ای میتوان به ترکیبات اساسی آنها اشاره نمود که به عنوان مثال طبقه اول چون دارای رنگ قرمز آجری میباشد دارای ترکیبات آهن - کلسیت و دولومیت است.

### زمین شناسی منطقه کرفتو:

به استناد مطالعات زمین شناختی، صخره قلعه و غار کرفتو در دوران دوم زمین شناختی شکل گرفته است.

در منطقه کردستان دره‌هایی دیده میشود که سراسر با مواد ریز و درشت رسوبی درهم پر شده است. بافت این مواد از جریان گل و لای تشکیل شده است، ظاهراً به سیستم زهکشی غیر از شبکه

با دهانه ورودی غار بوده که از مشرق به بیرون راه دارد. دهانه اصلی غار کرفتو در انتهای شمال شرقی کف این شکاف قرار گرفته است. چنانچه به سمت شمال این شکاف برویم پس از طی ۵ تا ۶ متر، در سمت غربی آن به درگاه اتاقی می‌رسیم که از سطح کف غار به اندازه ۸۰ سانتی متر بلندی دارد. بلندی درگاه ۱/۶۰ سانتی متر می‌باشد. پس از گذشتن از این درگاهی وارد اتاقی کاملاً تاریک با سقفی به اندازه ۱/۸۰ سانتی متر می‌شویم، اندازه و ابعاد این اتاق از دیگر اتاقها کوچکتر است. برای ورود به اتاق دوم در این طبقه (B) از درگاه جنوب غربی اتاق (B1) وارد اتاق B2 میشویم. اندازه و ابعاد این اتاق از اتاق B1 بزرگتر و وسیعتر است. پس از ورود به اتاق (B2) در میانه آن آثار بجای مانده از ستونی را بر کف آن مشاهده می‌کنیم که مابقی ستون از سقف آن بریده شده است. از طریق یک درگاهی که قسمتی از آن تخریب شده است و در سمت شمال غربی این اتاق قرار دارد وارد اتاق سوم (B3) می‌شویم. سقف آن بلندتر و هلالی شکل است. فرم و ابعاد این اتاق با دو اتاق دیگر متفاوت است. بلندی این اتاق (B3) در بالاترین حد قوس ۵/۵۰ سانتی متر بوده که در قسمت سقف اندکی از میزان قوس کاسته می‌شود درازای دیوار در سمت جنوب غربی ۸/۱۰ سانتی متر (تا قسمت سکو مانند) می‌باشد. پهنای این اتاق ۶/۲۵ سانتی متر است. در سمت انتهای جنوبی اتاق سکویی با بلندی ۱/۹۰ از کف اتاق و به درازای ۶/۲۵ سانتی متر و با عمق ۲/۲۰ سانتی متر وجود دارد. بر بالای سکو و در سمت جنوب شرقی دریچه‌ای به پهنای ۱/۵۰ سانتی متر و بلندی ۲ متر به بیرون راه دارد. در سمت جنوب شرقی این اتاق یک درگاهی قرار دارد که دارای بلندی ۳ متر و پهنای ۲ متر است. پس از گذر از درگاهی این اتاق وارد فضایی می‌شویم که لحظه‌ای ارتباط ما را با فضای داخلی قطع میکند و از اینجا است که فضای جنوبی بی هیچ مانعی خود نمایی می‌کند بطوریکه منظره کوه "پنجه" و "سه کنیشان" تماماً پیداست. در سمت شمال غار دالانی با سقف مدور وجود دارد که کف آن بر اثر ریزش، شکافی عمیق ایجاد کرده و آنرا به دو قسمت تقسیم کرده است. این دالان در سمت شمالی غار کرفتو حجاری گردیده است.

در ادامه حرکت بسوی دیگر اتاقها بایستی از پله‌ای که توسط دخالت انسان برای صعود به بالا و رسیدن به طبقه سوم (C) آنرا ساخته‌اند، عبور کرد که تعداد آنها ۱۰ پله میباشد و قسمتهای جنوبی آن ریزش کرده، هنگام گذر از آن بایستی مواظب بود که

به پایین صخره سقوط نکنیم. پس از پیمودن پله هابه ابتدای طبقه "C" می‌رسیم، قبل از رسیدن به اولین اتاق در سمت راست و در جهت جنوب آثار چاله‌ای مخروطی شکل که محل پاشنه و محور در بوده است جلب توجه می‌کند و از ویران شدن قسمتهای زیادی از اتاقی که قبلاً وجود داشته حکایت میکند. در سمت راست و در جهت جنوب شرقی در ارتفاع ۱/۵۰ سانتی متری از کف این اتاق ویران شده آثاری که دال بر وجود اتاقی در این منطقه است که اکنون قسمت‌های زیادی از آن فروریخته است. در سمت شمال دالانی با سقف قوسی تیز (شاخ بزی) جلب توجه می‌کند که بر دیواره غربی آن لوحه‌ای مستطیل شکل حجاری گردیده که بر روی آن آثار نقوش حیوانی که بشدت مورد تخریب واقع شده و بصورت سطحی متخلخل و حفره‌ای در آمده، نقر شده است. گسیل دیواره سمت راست این دالان به سمت بالا حالت طبیعی دارد اما دیواره سمت غرب بوسیله انسان حجاری شده و نیمه دیگر قوس را بصورت قرینه نیمه شرقی تراشیده است. این دالان نیز همچون دالان طبقه B از قسمت میانی ریزش کرده که آنرا به دو قسمت تقسیم کرده است. در روبرویمان و در جهت شرق، اتاقی با دو درگاهی که ارتفاع درگاهی سمت راست بلندتر است اما پهنای درگاهی سمت چپ بیشتر ما را به داخل راهنمایی می‌کند، اما قبل از اینکه وارد اتاق "C1" شویم.

پس از بازدید این کتیبه از طریق درگاهی زیر آن وارد اتاقی می‌شویم که دیواره و سقف آن را لایه‌های سیاه رنگ دوده پوشانده است. این اتاق "C1" را باید یکی از زیباترین اتاقها از لحاظ معماری دانست، سقف آن هلالی شکل است که در ارتفاع ۳/۵۰ سانتی متری دیواره‌های شمالی و جنوبی که جهت شرقی - غربی دارند، حجاری شده است که در شکل دادن آن دقتی بی نظیر صورت پذیرفته شده است.

بر روی دیوار جنوبی و در میانه آن دریچه زیبایی با تزئینات گل لوتوس که در زیر آن کنگره‌هایی بصورت نیم برجسته حجاری گردیده‌اند، نمای بیرونی غار را به تماشا می‌گذارند تزئینات فوق بصورت پله‌ای است، یعنی ردیف بالا متشکل از دوایر نیم برجسته که سطح آنها بمرور زمان سائیده شده و صرفاً بصورت دوایری ساده است. ردیف زیرین که بصورت پله‌کانی دیده می‌شود شامل یازده کنگره نیم برجسته یک در میان است. این نوع ترکیب بندی با عناصر تزئینی فوق، یادآور معماری

هخامنشی است. در زیر کنگره‌های فوق و بصورت پله‌ای با سطحی در حدود ۲۰ سانتی متر فضای مسطحی قرار گرفته که در زیر آن دریچه‌ای به ابعاد ۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر وجود دارد که از طریق آن کوه "پنجه" نمایان است. در سمت دیوار شمالی و در ارتفاع ۲/۳۰ سانتی متری چاله‌هایی بر سطح دیوار نقر شده که احتمالاً بعنوان استودان و یا محل جایگیری تیرهای چوبی و یا محلی برای نذورات و... کاربرد داشته است.

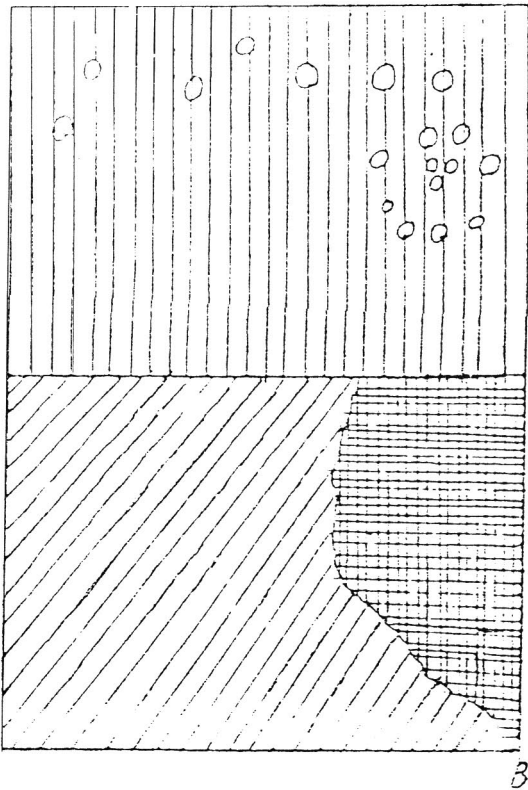
### گمانه زنی در غار کرفتو:

به استناد گمانه زنی غار کرفتو که در سال ۱۳۷۶ در نخستین فصل از انجام پژوهشهای باستان شناسی برای دست یابی به چگونگی وضعیت استقرار در غار کرفتو انجام گرفت، نتایج حاصل از آن با توجه به زمان اندک انجام برنامه و محدوده کاوش، چشمگیر بود که خلاصه‌ای از آن در پی می‌آید. (۲۵)

بر اساس همان گزارش و به منظور دست یابی به اهداف یاد شده در کل چهارگمانه در داخل و خارج غار کرفتو ایجاد شده است که در زیر به دو گمانه الف و ب و دو یافته‌های آنها اشاره می‌شود.

#### ۱- گمانه الف ۱:

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر با جهت شمالی - جنوبی در یکی از راهروهای اصلی غار ایجاد شد. پس از برداشت خاک سطح ترانشه<sup>(۲۶)</sup> در عمق ۳۰ سانتی متر به یک لایه خاک آهکی کوبیده برخورد شد که عنوان کف شماره ۱ به آن داده شد و بر روی این سطح سفت به ویژه در شمال شرقی آن حفره‌های متعددی با قطر دهانه حدود ۲ تا ۷ سانتی متر ایجاد شده بود که محل قراردادن میخهای چوبی بوده است (شکل ۱۴). پانزده حفره در این سطح آهکی نمایان شد، به این سبب کار در نیمه جنوبی این گمانه ادامه داده شد و قطعات سفالهای ساده و لعابدار و قطعات متعددی از استخوانهای حیوانات بدست آمد. در ادامه همین قسمت در عمق ۴۰ سانتی متر در دیواره شرقی یک قطعه سنگ بزرگ آهکی دیده شد. در عمق ۷۰ سانتی متر لایه خاک آهکی قرمز مخلوط با قطعات سنگهای آهکی مشاهده شد، در عمق ۱۵۰ سانتی متر از سطح گمانه: استخوان فک یک حیوان بدست آمد و در ادامه تا عمق ۱۹۵ سانتی متر بقایای استخوان حیوان و بقایای ذغال سوخته بدست آمد. در کل یازده لایه مختلف شناسایی شد که بر اساس مطالعه و آزمایشات و به لحاظ آگاهی از دوره‌های استقرار، غار



Trench- A1  
S. 1/25

- کف سخت
- حفره‌های روی کف (محل میخ‌های چوبی)
- گمانه پیشرو
- صخره سنگی

شکل ۱۴. برش گمانه الف در داخل غار

از اهمیت ویژه برخوردار است. توضیح کاملتر در نقشه لایه نگاری با موقعیت دقیق یافته‌ها آمده است، آخرین عمق این ترانشه ۲/۲۰ سانتی متر بود. شکل ۱۵

یافته‌های این گمانه شامل قطعات سفال، چوب، استخوان، سنگهای آهکی و بقایای ذغال است.

سفالهای چرخ ساز دوره اسلامی در دو نوع ساده و لعابدار (شکل‌های ۱۶ و ۱۷) با لعاب‌های کرم و سبز (شکل‌های ۱۱ و ۱۴)، زرد، شیشه‌ای، قهوه‌ای سوخته، با نقوش هندسی به رنگ لعابهای سیاه و به شکل خطوط موازی، عمودی منحنی‌های منظم در داخل برخی ظروف با نقوش اسلیمی است که خمیر سفالها چه لعابدار و چه بدون لعاب و ساده، مرکب از ذرات شن، آهک، کوارتز است.

## گمانه الف ۲:

به فاصله ۳۱ متری از گمانه الف ۱، در همان جهت و به همان ابعاد در درون فضایی که از سه جانب شمال و غرب و شرق به صخره‌های طبیعی غار متصل می‌شد، ایجاد گردید. هدف اصلی از ایجاد این گمانه اطلاع از کاربری این بخش از فضای غار کرفتو بود. گروه در این گمانه با مشکلات بسیار مواجه شد، چرا که از سه طرف به دیوارهای صخره‌ای و از سمت بالا نیز به سقف غار با ارتفاع حدود ۳ متر منتهی می‌شد و مشکلات تنفسی وجود داشت.

یافته‌های این گمانه قطعات سفال ساده (شکل شماره ۱۶) بدون نقش دوران اسلامی و قطعات شیء سنگی از جنس کوارتز و قطعات چوب است. در این گمانه قطعه سنگی به طول هفت سانتی متر و قطر یک سانتی متر با سوراخی در مرکز که دارای قطر دهانه حدود پنج میلی متر است و کاربرد تزئینی دارد، بدست آمد.

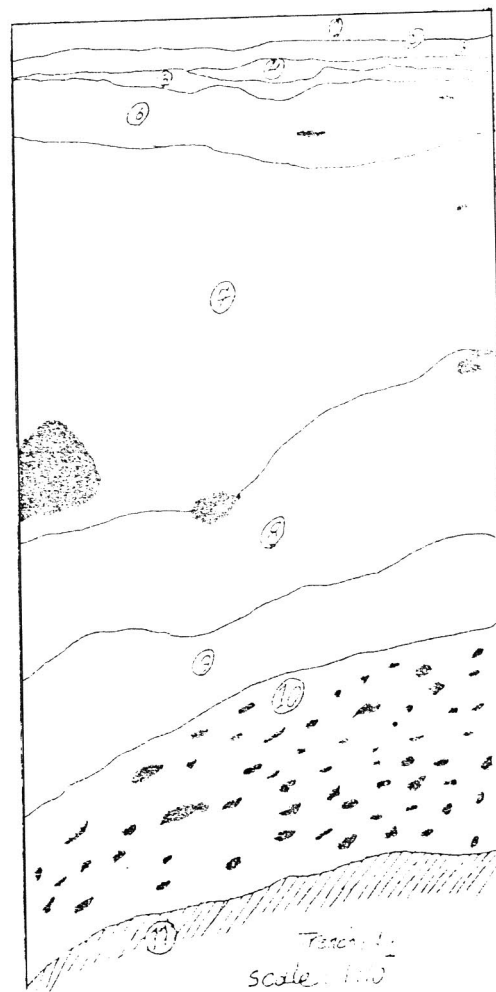
## ۲- گمانه ب:

همان طوری که اشاره شد در منتهی‌الیه شمال غربی اتاق سوم، از طبقه چهارم قسمتی مربع شکل در کف سنگی اتاق مزبور توسط انسان ایجاد گردیده که تا عمق ۴۰ سانتی متری آن عاری از خاک بود. بدین منظور این مکان را به عنوان گمانه آزمایشی "ب" در جهت رسیدن به نتایجی سودمند انتخاب و خاکبرداری از سطح داخلی آن را آغاز نمودیم.

خاکبرداری از داخل گمانه تا عمق ۱۴۰ سانتی متری با برداشت خاک توأم با زباله و مواد مصرفی از قبیل پلاستیک و بطری مایعات و کاغذ و سایر چیزهای دیگر همراه بود. از عمق ۱۴۰ تا ۱۶۰ سانتی متری زباله و چیز قابل ملاحظه‌ای بدست نیامد.

از عمق ۱۶۰ سانتی متری شاهد تغییر رنگ خاک به رنگ تیره بانم فراوان بودیم.

رطوبت فراوان موجود در خاک به همراه قطعات کوچک سفالینه‌های بدون لعاب برنگ نخودی و قرمز همراه با استخوان حیوانات تا عمق ۳۵ سانتی متری (۱۹۵ سانتی متری از کف سنگی اتاق سوم) ادامه یافت. به تدریج از رطوبت خاک کاسته شد. در عمق ۲۶۰ سانتی متری به لایه‌ای از آهک به قطر ۵ سانتی متر برخوردیم که به احتمال زیاد این لایه ناشی از رسوب گذاری املاح آهکی آب بوده که بر جای مانده است و ته نشین گردیده



- ۱- خاک پودری خاکستری رنگ دارای مواد آلی
- ۲- قطعات سنگ آهک
- ۳- خاک فشرده خاکستری رنگ دارای مواد آلی
- ۴- خاک قهوه‌ای روشن
- ۵- خاک کرم رنگ
- ۶- خاک قهوه‌ای تیره که لایه‌های سطحی پر رنگ و دارای خاکستر است.
- ۷- خاک نخودی روشن با قطعات درشت سنگ آهک
- ۸- خاک قهوه‌ای نارنجی با قطعات سنگ و آهک کمتر
- ۹- خاک قهوه‌ای نارنجی روشن با قطعات سنگ و آهک
- ۱۰- خاک قهوه‌ای با تراکم قطعات سنگ
- ۱۱- صخره

شکل ۱۵. برش گمانه در داخل غار

به فاصله ۴۰ سانتی متری از حفره (طاقچه اولی) با عرض ۳۵ سانتی متر، ارتفاع ۴۰ سانتی متر و عمق تقریبی ۲۲ سانتی متر. حفره (یا طاقچه) سومی به فاصله تقریبی ۴۵ سانتی متر حفره دومی که در بخش غربی آن به هنگام حجاری از ظرافت کمتری بهره برده شده است، با عرض ۴۷ سانتی متر، ارتفاع ۴۰ سانتی متر و عمق ۲۲ سانتی متر.

به دلیل کاهش حجم محیط خاکبرداری ناگزیر به برداشت خاک از بخش شمالی گمانه مزبور شدیم. همان طوری که قبلاً توضیح داده شد از عمق ۲۶۰ سانتی متری گمانه ب را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نموده بودیم. خاکبرداری از این بخش از گمانه (بخش شمالی) نیز عیناً تکرار لایه‌های خاک بخش جنوبی بود.



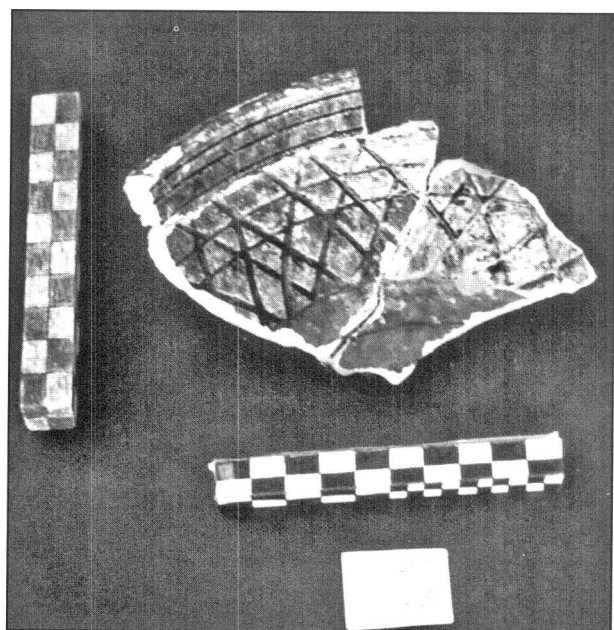
شکل ۱۶. سفال‌های بافت شده از گمانه ب.

است.

از عمق ۲۶۰ سانتی متری گمانه را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و خاکبرداری را از بخش جنوبی ادامه دادیم. پس از لایه آهکی ذکر شده، دوباره بر نم موجود در خاک افزوده گردید خاکبرداری توأم با برداشت گل مرطوب به همراه قطعات شکسته سفالینه‌های بدون لعاب با خمیره قرمز و نخودی و خاکستری مربوط به کف، بدنه و لبه و دسته ظروف سفالی بزرگ به همراه استخوان حیوانات، تا عمق ۳۳۰ سانتی متری ادامه یافت. قطعات شکسته سفالینه‌های بدست آمده تا این عمق دارای تزئینات نقش کنده بر روی بدنه است.

در عمق ۳۳۰ سانتی متری در بخش جنوبی این گمانه پی سوز سفالی با خمیره نخودی که قسمتی از لبه آن شکسته بود و علامت سیاهی در داخل آن کاملاً مشهود بود به درازای ۱۶ و ارتفاع ۷ سانتی متر به دست آمد.

در عمق ۳۳۵ سانتی متری در بخش جنوبی این گمانه سه حفره در یک ردیف افقی به موازات هم به هنگام خاکبرداری نمایان گردید. ارتفاع این حفره ها که به نظر می‌رسد کاربرد طاقچه‌ای داشته باشند بین ۴۰ تا ۴۷ سانتی متر است. عمق طاقچه‌ها بین ۲۲ تا ۲۵ سانتی متر و عرض ۳۵ تا ۴۸ سانتی متر است. حفره (طاقچه) اول از سمت راست؛ با عرض ۴۸ سانتی متر و ارتفاع ۴۷ سانتی متر و عمق ۲۵ سانتی متر. حفره (طاقچه) دوم



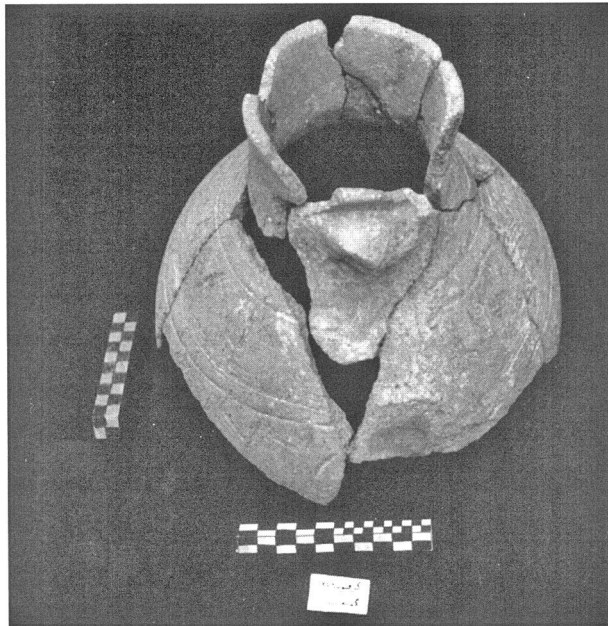
شکل ۱۷. قطعات سفال‌های وصالی شده - دوره سلجوقی.

در عمق ۳۲۵ سانتیمتری مشابه بخش جنوبی گمانه با سه حفره (طاقچه) نمایان گردید که جزئیات این سه حفره (طاقچه) به شرح ذیل است:

حفره (طاقچه) اول با عرض ۳۷ سانتی متر و ارتفاع ۶۵ سانتی متر و عمق ۲۴ سانتی متر.

حفره (طاقچه) دوم به فاصله ۲۴ سانتی متری طاقچه اولی؛ با عرض ۲۵، ارتفاع ۷۰ و عمق ۲۲ سانتی متر.

حفره (طاقچه) سوم به فاصله ۳۵ سانتی متری طاقچه دوم؛ به



شکل ۱۹. ظروف سفالی مرمت شده - دوره سلجوقی.

### سفالینه‌ها: شکل ۱۷-۲۱

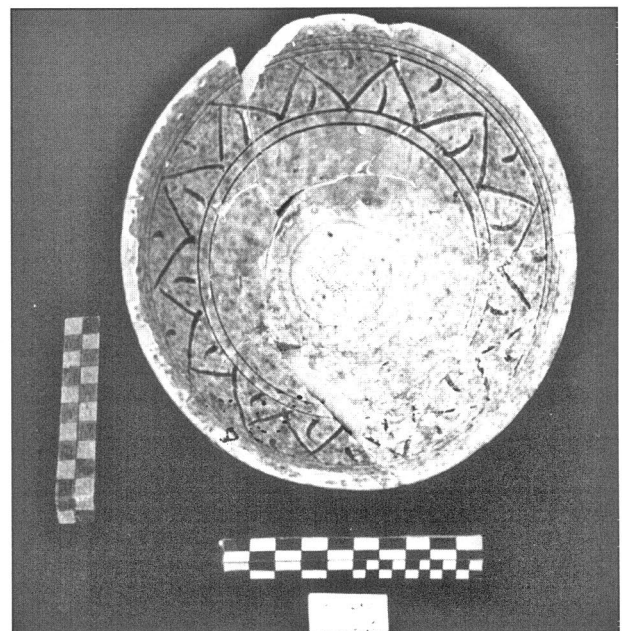
به هنگام خاکبرداری از گمانه ب مجموعاً ۴۶۶ قطعه شکسته سفالینه‌های بدون لعاب و لعابدار از خاک تفکیک گردید. از مجموع ۴۶۶ قطعه سفالینه‌های شکسته؛ ۴۰۵ قطعه شامل سفالینه‌های بدون لعاب، و ۶۱ قطعه سفالینه‌های لعابدار را شامل می‌شود. از مجموع ۴۰۵ قطعه سفالینه‌ها بدون لعاب ۱۲۹ قطعه از نوع خمیره قرمز بوده که از این مجموع ۲۶ قطعه متعلق به لبه ظرف، ۲ قطعه مربوط به کف ظرف، ۲ قطعه مربوط به دسته و ۹۹ قطعه متعلق به بدنه ظروف است. از نمونه سفالهای شکسته با خمیره قرمز مربوط به کف، بدنه، لبه و دسته ۲۸ قطعه انتخاب شد.

قطعات شکسته سفالینه‌های با خمیره نخودی مجموعاً ۲۳۳ قطعه را شامل می‌شود.

از مجموع ۲۳۳ قطعه؛ ۲۱ قطعه مربوط به لبه، ۱۹۸ قطعه مربوط به بدنه، و ۱۱ قطعه مربوط به کف و ۳ قطعه متعلق به دسته ظروف سفالی است. که از این مجموع ۴۳ نمونه کف، بدنه، دسته و لبه از دیگر قطعات جدا و برای مطالعه تفکیک شد.

سفالینه‌های با خمیره خاکستری نیز در بین قطعات بدست آمده از گمانه ب به چشم می‌خورد که مجموعاً ۴۳ قطعه را شامل می‌شود که از این مجموع ۹ قطعه متعلق به لبه، ۱ قطعه متعلق به کف و ۳۳ قطعه متعلق به بدنه بوده و از این نوع سفالینه نیز ۵

عرض ۲۵ سانتی متر، ارتفاع ۷۵ و عمق ۲۲ سانتی متر. از عمق ۳۳ سانتی متری به بعد خاکبرداری توام با برداشت خاک به رنگ تیره تا عمق ۲/۹۰ سانتی متری همراه بود که به هنگام خاکبرداری علاوه بر برداشت خاک تیره رنگ با نم فراوان قطعات شکسته؛ سفالینه‌های بدون لعاب با خمیره نخودی، قرمز و خاکستری با نقش کنده و افزوده بر سطح خارجی قطعات بدست آمده، قطعات شکسته سفالینه‌های لعابدار با لعاب به رنگهای سبز روشن، سبز سیر، سفید، کرم متمایل به شیری که با نقوش هندسی (دوایر تودرتو، خطوط موازی و متقاطع و زیگزاگ و نقوش دیگر ترکیبی هندسی) زینتگر بخش داخلی و بخشی از لبه خارجی قطعات بدست آمده است. همچنین به مقدار فراوانی استخوان حیوانات مختلف به همراه خاک بدست آمد که از خاک



شکل ۱۸. ظروف سفالی مرمت شده - دوره سلجوقی.

جدا و تفکیک گردید.

از عمق ۳۹۰ سانتی متری رنگ تیره خاک جای خود را به خاک قهوه‌ای روشن داد. از این لایه خاک سفالینه‌های لعابدار و بدون لعاب و استخوان همانند لایه خاک تیره منتهی به مقدار کمتری به دست آمد.

پس از نمایان شدن حفره‌های شمالی و جنوبی در گمانه مزبور، به تدریج از فضای حجاری شده داخل کاسته گردید و خاکبرداری از سطح گمانه مزبور تا عمق ۴/۲۰ سانتی متر ادامه یافت تا به کف سنگی این قسمت رسیدیم.



شکل ۲۰. ظرف سفالی وصالی شده - دوره سلجوقی

نامیده شد. یکی از حروجهای فضای مال بند به سمت جنوب راه داشت که در اثر زلزله های سالهای گذشته و همزمان با ریزش بخشهای زیادی از قسمتهای جنوبی غار کرفتو از بین رفته اند. این گمانه در مقایسه با دو گمانه الف ۱ و الف ۲- از نظر دستیابی به مواد باستان شناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حجم انبوه استخوان حیوانی به همراه قطعات فراوان سفال و اشیاء دیگر، حاکی از اهمیت این قسمت از غار دارد. در عمق ۲۵ سانتی متری این گمانه به توده های از سنگهای آهکی برخورد شد. در این عمق و تا عمق ۹۵ سانتی متر که به دلیل پایان فصل کاوش بیشتر ادامه نیافت با تراکم قطعات استخوان مواجه شدیم. یافته های این گمانه نیز شامل سفال، استخوان، چوب، شیشه، مهره و چرم است.

سفال به مقدار زیاد حدود ۶۰۰ قطعه ساده و لعابدار از دوره اسلامی به رنگهای نخودی، قرمزخاکستری متمایل به سیاه که برخی از آنها نیم پخت و دارای مغز سیاه و و دودرده اند. سفال لعابدار به مقدار کمتر یافت شده که دارای تکنیک کار بسیار بالا و با کیفیت عالی است، شاموت سفالهای ساده با ذرات شن ریز و درشت، و به ندرت کاه خرد شده است. ظروف شامل کاسه، کوزه، سفالهایی بابدنه ضخیم از حرارت کافی برخوردار نیستند. شاخص قطعات سفالی این گمانه از نوع زرین فام متعلق به دسته یک ظرف است که برای تاریخ گذاری اهمیت ویژه دارد.

نمونه جهت مطالعه انتخاب شد.

از مجموع سفالینه های بدون لعاب با خمیره قرمز، نخودی، خاکستری، ۵۶ قطعه متعلق به لبه ظروف سفالی، ۳۳۰ قطعه متعلق به بدنه، ۵ قطعه متعلق به دسته ظروف، و ۱۴ قطعه متعلق به کف ظروف سفالی است. که از این مجموع ۷۶ قطعه سفالینه کوچک و بزرگ جهت مطالعات انتخاب شد.

همان طوری که قبلاً ذکر گردید ۶۱ قطعه از سفالینه ها از نوع لعابدار در داخل و حاشیه و لبه خارجی است که لعاب روی سفالینه ها برنگهای سبز روشن، سبز سیر، سفید، کرم متمایل به شیری است که با استفاده از نقوش هندسی مانند دوایر تودرتو، خطوط موازی در لبه داخلی خطوط زیگزاگ و مواج در داخل و لبه داخل و خارج قطعات بدست آمده که روی آنها تزئین شده است.

از مجموع ۶۱ قطعه سفالینه لعابدار؛ ۳۴ قطعه متعلق به لبه، ۲۰ قطعه متعلق به بدنه، و ۷ قطعه متعلق به کف ظروف سفالی بوده که از این مجموع بخشهایی از آنها متعلق به یک ظرف بوده که عمل وصالی بر روی قطعات متعلق به یکدیگر صورت پذیرفته که حاصل این وصالی قطعات، یک ظرف سفالی (پیاله یا کاسه) تقریباً کامل با قطر دهانه ۳۰ سانتی متر، قطر کف ۱۰ سانتی متر، ارتفاع ۱۵ سانتی متر، که تنها بخش کوچکی از لبه آن ناقص است لعاب ظرف مزبور برنگ سبز روشن با تزئین خطوط موازی و خطوط زیگزاگ در داخل ظرف است. همچنین چند ظرف ناقص نیز به دنبال وصالی قطعات متعلق به یکدیگر با لعاب کرم متمایل به شیری با نقاشی خطوط متقاطع در زیر لعاب، سبز سیر و سبز روشن به دست آمد.

علاوه بر سفالینه های بدست آمده، ۴۸۰ قطعه استخوان از قسمتهای مختلف بدن حیوانات که شامل استخوان شاخ، فک، آرواره، دست، پا، ستون فقرات و.... است با دو قطعه شیشه نیز به دست آمد.

## گمانه ج

این گمانه به منظور آگاهی از چگونگی کاربری یکی از فضاهای جانب شرقی غار کرفتو ایجاد شد. در بخشهایی از دیوارهای این قسمت عناصری تعبیه شده که به نظر می رسد برای بستن طناب بوده و از آنجا که این عناصر به فاصله حدود یک متر از یکدیگر به وفور یافت میشود، گمان می رود که محل و ابزاری برای بستن حیوانات بوده باشد. که این فضا توسط هیأت به عنوان 'مال بند'

داخل شهر ناهموار و غیر همسطح است، وجود تپه ها سبب پستی و بلندی و سربالایی و سراسیمبی کوچه و گذرگاههای آن شده است. سقز دارای هوای گرم در تابستان و هوای سرد در زمستان و گاهی بارش برفهای سنگین دارد. این شهر ۴۳۷۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

۲- مبانی زمین شناسی نوشته: ادوارد جی، تاربوک و دکتر فردریک ک لوتکن، ترجمه دکتر رسول اخروی.

۳- ناودیس به گودی میان دو چین گفته می شود.

۴- یعنی خیاط سنگ شده؛ در سمت غرب غار دو ستون سنگی در اثر فرسایش ایجاد شده که مردم محل برای آن اسطوره‌ای قایلند و آن اینکه یک فرد خیاطی بوده که عاشق دختری شده است. ناگزیر به ازدواج غیر شرعی شده‌اند و پس از آن نفرین شده و به صورت سنگ درآمده‌اند.

۵- این بخش ترجمه و تألیفی است از:

Studdio Iranic,tome, fascicule2

Paul Bernard

Henacles, Les grotte de kerafto et le sanctuaire

du mant lambolous en Iran.

۶- GIG جلد صفحات ۹۱-۱۱۲. در جلد GIG III که در تاریخ ۱۸۵۳ منتشر شده، در کنار کتیبه کرفتو (شماره ۴۶۷۳) شکل کتیبه دیگر یونانی که پیش از این شناسایی شده بود، نیز دیده می شود. کتیبه نقش برجسته مهرداد دوم و گودرز در بیستون (شماره ۴۶۷۴)، کتیبه و نقش برجسته اردشیر در نقش رستم (شماره ۴۶۷۵) و کتیبه و نقش برجسته شاپور در نقش رجب شماره (۴۶۷۶).

۷- چکیده این در مقاله‌ای تحت عنوان هراکلس، غار کرفتو و معبد کوه سمبولوس در ایران، به نقد کشیده شده است، بنگرید به:

AMI:Archaeological Mitteilung en aus Iran ,Neve

folge, jrqs; Journal of the royal geographical

Society.

۸- J.cormick وابسته دربار عباس میرزا در تبریز، سفری به کردستان کرد. کورپورتر یادداشتهای او را خواند و در برگشت از تبریز به سنندج رفت و از: هزار- کرفتو - خایتب - شاه ولی - کنازون - دیوان دره - زاغه - کلهرآباد - مغه - تزیبر عبور کرد، قابل توجه است که میان کرفتو و سنندج است که اشتاین (Astein) این مسیر را بر عکس پیموده است.

Die Erforschung Persians(vienne 1952) p.133,n.2,144,148,157,

۹- R.Kerporter، سفرهایی به گرجستان - ایران - ارمنستان - و بابل قدیم طی سالهای ۲۰-۱۸۱۷.

JRGS10,-1840.p.45-1۰

۱۰- Old routes of western Iran(Londres 1940) p.324-360. -۱۱



شکل ۲۱. قطعات سفالهای بدست آمده از گمانه زنی

نقوش روی سفال به دلیل کوچکی قطعه یاد شده قابل شناسایی نبود.

حدود ۹۰۰ قطعه مختلف استخوان حیوان بدست آمده که جالبترین نمونه آن قطعه‌ای است که دارای یک سوراخ در یک طرف و سطح صیقل یافته است. که احتمالاً به عنوان آویز از آن استفاده می شده است.

اشیاء شیشه‌ای بدست آمده از این گمانه شامل قطعات ریز، مهره، دستبند به رنگهای سبز و سفید و سیاه است. بخشی از دستبند شیشه‌ای به رنگ زرد که بسیار زیبا و ماهرانه پرداخت شده از نمونه‌هایی است که در عمق ۶۰ سانتی متری گمانه بدست آمد که متعلق به یک دستبند شیشه‌ای به رنگ سیاه بوده که متأسفانه تمام آن بدست نیامد.

مهره‌هایی از جنس عقیق، فیروزه‌ای که کاربردی انواع آویز را داشت، بدست آمده است. قطعه‌ای از چرم و قطعه‌ای از جوش کوره از نمونه‌های جالب این گمانه بود که به آزمایشگاه فرستاده شده است. ۲۷.

## پانویسها:

۱- شهرستان سقز در شمال استان کردستان و در ۴۶ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی قرار دارد، این شهرستان بر روی دو تپه طویل بنا شده، به گونه‌ای که اکثر نقاط

20-Cambades

21-Cambalidos

22-kampada

- ۲۳- یادآور می‌شود که از مسیر روستای صاحب روستاهای دیگری چون؛ تیزآباد، لگزی، قلعه کهنه، چاغرلو، یرقول، پنبه دان، نیز می‌توان به روستای میرسید یا میرسعید رسید که از سمت شرق این روستا به غار کرفتو راه دارد که صعب العبور و ناهموار است و به سختی میتوان از آن گذشت و به غار رسید.
- ۲۴- در حال حاضر این انباشت توسط میراث فرهنگی سنندج پاک سازی و ساماندهی شده است.
- ۲۵- ر.ک به گزارش نهایی و ساماندهی غار کرفتو در شهرستان سفز - استان کردستان - تابستان ۱۳۷۶.
- ۲۶- خاک سطوح اولیه ترانشه، انباشتی از خاک و سنگهای آهکی و بقایای ذغال بود.
- ۲۷- برای اطلاع و دست یابی بیشتر به اشیاء بدست آمده و تجزیه و تحلیل آمازی سفالهای بدست آمده رجوع کنید به گزارش نهایی گمانه زنی و ساماندهی غار کرفتو، سال ۱۳۷۶ - میراث فرهنگی کردستان سنندج.

۱۲- مطابق متن تاسیت و محوطه کرفتو و فرانتس در GIG 4673.

13.Syria 24.1944-1945 p.78-79.

۱۴- توضیح کامل آنرا در کتاب 13-Helleica-J.روبرت ۱۹۶۵ ص ۲۶۶ می‌توان دید.

یادآوری می‌شود که کتیبه تازوس (Thasos) II(۶۸۷ X که بر روی تخته سنگ سردر حک شده است به تایید ج.فهل.

G.Pfohl vberform und Inhal in hal giech grabinschriften

(۱۹۴۵-۵۵) یک کتیبه سنگ قبر نیست. تردید دارم که این کتیبه را بتوان

به کتیبه‌های دوره اسکندر نسبت داد همچنین در ورودی خانه‌ها به

هنگام شیوع بیماری طاعون در سال ۱۶۵ پس از میلاد مسیح ساکنان

امپراطوری رومی. تحت رهبری تاپیشوا الکساندر ابونتیغوس یک

عبادت ضد مسیحی نوشتند و خانه‌های خود را تحت حفاظت قرار

دادند؛ نوسین. سکندر و پیشوای ۳۶ و تغاسیر ل. روبرت به سمت

آسیای صغیر، (پاریس ۱۹۸۰) صص ۴۰۴-۴۰۳.

۱۵- به پلان غار نگاه کنید.

16-corma

17-W.kleiss

۱۸- نام معبد خدایان یونانی -

19-Kompada

